

غزل شماره ۲۲۷

کرچه بر واعظِ شهر این سخن آسان شود
تاریا و رزد و سالوس مسلمان شود

رندی آموز و کرم کن که نه چندان هنر است
حیوانی که توشدمی و انسان شود

گوهر پاک باید که شود قابلِ فیض
ورنه هر سنگ و کلی، لؤلؤ و مرجان شود

اسمِ اعظم بکنند کارِ خود ای دل، خوش باش
که به تنگیس و حیل، دیو مسلمان شود

عشق می ورزم و امید که این فنّ شریف
چون، نمرهای دگر موجب حرمان شود

دوش می گفت که فردا بد هم کام دلت
سببی ساز خدایا که پشیمان شود

حُسنِ خلقی ز خدای طلبم خوی تو را
تا دگر خاطر ما از تو پریشان شود

دزه را تا نبود همتِ عالی حافظ

طالب چشمه خورشید در حشان شود

تفسیر فال

دورنگ نباش و با هر کسی که طرح دوستی ریختی، رنگ عوض نکن؛ زیرا این کار نه تنها نشانی از صداقت نیست، بلکه هنر نیز به حساب نمی‌آید. فکر نکن که با فریبکاری‌های خود می‌توانی دیگران را فریب داده و به آسانی در مرکز توجه قرار بگیری. برای اینکه نامت در همه جا برده شود، لازم نیست دست به هر کاری بزنی که ممکن است ارزش‌هایت را زیر سؤال ببرد. عشق ورزیدن و محبت کردن به دیگران واقعاً هنر بزرگی است؛ هنری که نیازمند صداقت، وفاداری و صبر است. اگر همچنان به حیل‌های خود ادامه دهی، دیر یا زود پشیمانی تو را فرا خواهد گرفت و نتایج ناخوشایند آن دامن‌گیرت خواهد شد. بنابراین همت کن و راهت را تغییر بده؛ زیرا در مسیر صداقت و محبت، نه تنها آرامش بیشتری خواهی یافت بلکه ارتباطات واقعی‌تری نیز ایجاد خواهی کرد که همواره ماندگار خواهند بود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)